

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تی بری میسان: par Thierry Meyssan
برگردان از: حمید محوی
۲۰ جنوری ۲۰۱۶

سخنرانی وضعیت کشور امریکا در سال 2016

اوباما : مبارزه من

Discours 2016 sur l'état de l'Union

Obama : Mon combat

آخرین سخنرانی سنتی سالانه درباره وضعیت کشور برای رئیس جمهور اوباما فرصتی بود تا مزیت‌های کشورش را بر شمارد و درباره آن مدیحه سرائی کند و بگوید که ایالات متحده در تمام زمینه‌ها بهترین در سرتاسر کره زمین است. متأسفانه هنر بیان او در وصف شکوه امریکا به دلیل و برهان‌های متقاعد کننده‌ای تکیه نداشت. به همین علت حتی نطق شکوهمند او نمی‌توانست واقعیت زوال یابنده ایالات متحده را پنهان کند و رقبای جمهوریخواه او نیز روی همین موضوع پافشاری کردند و آن را به عنوان مضمون اردوی تبلیغاتی خودشان برگزیدند.

شبکه ولتر / دمشق (سوریه) / ۱۸ جنوری ۲۰۱۶



آخرین سخنرانی درباره وضعیت کشور امریکا، که در ۱۳ جنوری توسط رئیس جمهور اوباما برگزار شد، پیش از همه برای منعکس ساختن زندگینامه خودش در تخیلات هم میهنانش در نظر گرفته شده بود (1). خارج از چند اشاره به خطر اغراق گوئی‌های نامزد جمهوریخواه دونالد ترامپ، نطق او وصف طولانی و شکوهمندی بود درباره برتری کشورش و با پیشنهادی برای اصلاح زندگی سیاسی به پایان رسید که به همان اندازه ضروری به نظر می‌رسید که از واقعیت عملی به دور بود.

«نیرومندترین اقتصاد جهان»

بارک اوباما با این جمله آغاز کرد که: «امروز ایالات متحده آمریکا نیرومندترین و با ثبات ترین اقتصاد جهان است» (2).

ولی آنچه را که نگفت، این بود که اگر به صندوق بین‌المللی پول باور داشته باشیم، ایالات متحده البته مهم‌ترین تولید ناخالص داخلی اسمی را داشته است، ولی اگر تولید ناخالص داخلی را در مقیاس برابری قدرت خرید در نظر بگیریم در این صورت مقام دوم را احراز خواهد کرد، به این معنا که از شمردن دالر دست بکشیم و آنچه را که قابل مقایسه است مقایسه کنیم. عملاً، نخستین قدرت اقتصادی جهان، از این پس ایالات متحده نیست، بلکه چین مقام نخست را احراز کرده است.

رئیس جمهور علاوه بر نفی چنین واقعیتی اظهار داشت که با وجود این برای تقسیم عادلانه تر ثروت هنوز خیلی کارها برجا مانده است. ذخیره فدرال (رزرو فدرال نام رسمی بانک مرکزی ایالات متحده آمریکا) یعنی کنسرسیوم بانک‌های خصوصی که مدیریت دالر را به عهده دارد، در بررسی‌هایش مشاهده کرده است که میانگین درآمد ۵٪ کاهش داشته است. به عبارت دیگر، اگر سوپر ثروتمندان ثروتمندتر شده‌اند، امریکائی‌ها عموماً در فقر بیشتری سقوط کرده‌اند. نابرابری به شکلی است که تنها ۳٪ جمعیت بیش از نیمی از کل ثروت را در اختیار دارند، و ۷٪ یک چهارم باقی مانده، و ۹۰٪ آخرین ربع را در اختیار دارد. در دوران بحران ۲۰۰۸-۰۹، ۹۰٪ مردم به همان حدی بازگشتند که در سال ۱۹۸۶ در اختیار داشتند، در همین دوران چینی‌ها ثروشان را چندین برابر افزایش دادند.

برای تأیید سلامتی صنایع، رئیس جمهور روی صنعت اتومبیل تأکید داشت که امسال در بهترین وضعیت بوده است. با وجود این، علاوه بر این که از ارقام اطلاع دقیقی نداریم، اگر به داده‌های قابل دسترسی مراجعه کنیم، می‌بینیم که نخستین تولیدکننده در سطح جهانی نه ایالات متحده بلکه جاپان بوده است. چه از دیدگاه شمار اتومبیل‌های فروخته شده یا به ویژه از دیدگاه سود و درآمد، دورادور تویوتا مقام اول را احراز کرده است. در واقع، اصل درآمدهای ایالات متحده به آنچه تولید می‌کنند بستگی ندارد، بلکه از حق امتیازاتی منشأ می‌گیرد که خریداری کرده است. در نتیجه، این درآمدهائی که در حال حاضر در سازمان تجارت جهانی رایج است و همه آن را قانونی می‌دانند، گرچه بیش از این چنین حق امتیازی وجود نداشت و در آینده نیز ممکن است وجود نداشته باشد.

پس از آن که برخی دلیل و برهان‌های جنینش اشغال وال استریت را به حساب خودش گذاشت، رئیس جمهور کوچکترین اقدام اصلاحی برای رفع این نابرابری‌ها را پیشنهاد نکرد، ولی برای پانسمان برخی جراحات کمک‌های متنوعی را پیشبینی کرد. سپس، ناگهان به موضوع دیگری پرداخت و طرح مبارزه علیه سرطان را یاد آور شد و اظهار داشت که از گردهمآیی ایالات متحده پیرامون موضوع وضعیت آب و هوا پشتیبانی می‌کند.

با نفی نظریه پردازانی که از سقوط اقتصادی حرف می‌زنند، رئیس جمهور اوباما به موضوع مرکزی خود پرداخت یعنی موضوع برتری نظامی ایالات متحده بر تمام جهان. اگر اشتباه نگفته باشم، پس از آدولف هیتلر و توجو هیدکی نخستین بار است که چنین موضوعی در گفتار یک رئیس جمهور مطرح می‌گردد.

نیرومندترین ارتش جهان

«به شما گفته‌اند که دشمنان قوی‌تر شده‌اند و آمریکا ضعیف‌تر شده است. اجازه دهید چیزی به شما بگویم. ایالات متحده آمریکا نیرومندترین ملت جهان است. همین و بس. (حضار دست می‌زنند) همین و بس. هیچ‌کس به آمریکا نزدیک نمی‌شود. هیچ‌کس به آمریکا نزدیک نمی‌شود. (حضار دست می‌زنند). هیچ‌کس به آمریکا نزدیک نمی‌شود. ما برای

نظامیان مان بیش از مجموع هشت کشور بعدی خرج می کنیم. قطعات ما بهترین نیروی رزمی تاریخ جهان را به وجود آورده اند. (حضار دست می زنند). هیچ ملتی شهادت حمله مستقیم به ما و یا هم پیمانان ما را ندارد، زیرا می دانند که چنین راهی به ویرانی آنها خواهد انجامید. بررسی ها نشان می دهد که وقتی من برای ریاست جمهوری برگزیده شدم وضعیت ما در جهان بالاترین بوده است و در مورد مسائل مهم بین المللی، برای حل مسأله هیچ کس به بیجینگ و یا مسکو نگاه نمی کند. ما را فرا می خوانند (حضار دست می زنند) «(3).

- نخستین نکته در سخنرانی برنده جایزه نوبل صلح در این نکته است که در پی برشمردن شکوهمندی های ارتش کشورش در دفاع از میهن نبود، بلکه می خواست بگوید که برتری نظامی کشورش به اندازه ای است که تمام جهان به واشنگتن نگاه می کنند. به عبارت دیگر، او بر این باور است که اقتدار کشورش نه از توانمندی های آن بلکه تنها از ترس و وحشتی منشأ می گیرد که ایجاد کرده است.

- نکته دوم مرتبط است به میزان برتری و بررسی هائی که در زمان گزینش او برای ریاست جمهوری بالاترین وضعیت را برای کشور اعلان کرده بوده اند، البته بی آن که نامی از نویسندگان برده شود. مشخصاً، این دلیل و برهان اجازه نمی دهد که اقتدار طبیعی کشور او را ارزیابی کنیم، بلکه تسلط امریکا را بر کشورهای دیگر را نشان می دهد. بی گمان این موضوع را باید به عنوان یکی از خصوصیات تفکر سیاسی ایالات متحده تلقی کنیم. مشکل واشنگتن برای زندگی، آزادی و خوشبختی نیست، بلکه بر اساس آنچه در اعلامیه استقلال نوشته شده، برتری بر دیگران است.

پل ولفوویز Paul Wolfowitz در گزارش مشهورش در سال ۱۹۹۱ در باره اهداف ستراتیژیک ایالات متحده در جهان بدون اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی حفظ برتری کنونی بود، به انضمام تضعیف هم پیمانان، به ویژه تضعیف اروپا حتی اگر به تضعیف خود ایالات متحده بینجامد. به همین علت امروز نقش ارتش ایالات متحده دفاع از منافع مردم امریکا نیست بلکه جلوگیری از ملت های دیگر در پیشرفت و سبقت گرفتن از ایالات متحده امریکا است. این موضوع در خاورمیانه کاملاً آشکار است، ولی این موضوع در رابطه با بقیه کشورهای جهان نیز به همین شکل مطرح می باشد.

- نکته سوم، مثل اغلب شهروندان امریکائی، **بارک اوباما** فکر می کند که می تواند همه چیز را با پول خریداری کند. کمی پیشتر اعلان کرده بود که سرمایه گذاری مالی و دولتی در پژوهش برای درمان بیماری سرطان می تواند این بیماری را ریشه کن کند. گوئی با ریختن دالر می توانیم جرقه زنی را نزد پژوهشگران تحریک کنیم. در مورد ارتش ایالات متحده، می گوید که بودجه آنها بی هیچ ابهامی به ایجاد نیرومندترین ارتش ها انجامیده است. بر این اساس او نخستین فرمانده کل قوا می باشد که ارزش و شهادت سربازان را با دالر می سنجد. از دوران جنگ های ایران و یونان که به پیروزی یونانیان در مقابل سپاهی انجامید که از دیدگاه نفرت و تجهیزات بیست برابر آنها بود به فرماندهی امپراتورهای مانند داریوش و خشایارشا، تا شکست ارتش دفاعی اسرائیل (صاهال) پیشرفته ترین ارتش دنیا به پشتیبانی لوژیستیک ایالات متحده نیرومندترین در جهان، در رویارویی علیه تعدادی از مبارزان مقاومت حزب الله به پشتیبانی سوریه و ایران، تمام این موارد به ما نشان می دهد که خواست و شهادت مردان بر عظیم ترین بودجه ها غلبه می کند.

- نکته چهارم، سخنرانی **بارک اوباما** در اشاره به روسیه و چین به سختی می تواند نگرانی اش را در رابطه با گسترش صنایع نظامی این کشورها پنهان کند. امروز هر کسی می تواند در کالینینگراد، در دریای سیاه و در سوریه ببیند که تکنولوژی روسی نیروهای ناتو را به حاشیه کشانده است. در صورت جنگ کلاسیک در رویارویی با ناتو، هیچ تردیدی وجود ندارد که روسیه به سرعت پیروز خواهد شد. از نفس افتادن صنایع ایالات متحده به ویژه در زمینه

هواپیمائی قابل مشاهده است. نزدیک ۲۰ سال است که پنتاگون قول ساخت اف ۳۵ را داده است. اف ۳۵ یک هواپیمای چند منظوره خواهد بود که باید جایگزین تمام هواپیمای جنگی کنونی شود. ولی نه تنها از مرحله تکوینی بسیار دور است، بلکه در این مدتی که مهندسين ايالات متحده براي چندمين بار در طراحي آن تجديد نظر مي کردند، روسيه سوخو ۳۵ خود را با توان مانور بي بدیل تولید کرد، و چین نیز چنگدو جی ۱۰ بی را ساخت که از تمام هواپیمای رادار گریز پیشی گرفته است. بی گمان ایالات متحده در قابلیت تولید بی بدیل است، ولی تجهیزات متعارف آنها به شکل گسترده باطل شده و تنها برای دولت های کوچک می تواند جذبه هائی داشته باشد.

پس از این رجزخوانی های توخالی، رئیس جمهور اوپاما از خطر تروریسم یاد کرد و اطمینان داد که علیه القاعده و داعش مبارزه خواهد کرد. و برای اثبات تعهداتش در مقابل آنهایی که از ناکارآمدی اتحادیه ضد داعش در شگفت هستند، اعلان کرد :

« اگر شما در تعهدات امریکا یا من تردید دارید، از اسامه بن لادن بپرسید. (حضار دست می زنند) وقتی شما علیه امریکائی ها اقدام می کنید، ما علیه شما اقدام می کنیم (حضار دست می زنند) این موضوع می تواند مدتی به طول بینجامد، ولی حافظه ما طولانی است و هیچ چیزی از تیر رس ما به دور نیست. (حضار دست می زنند)» (۴).
دلیل و برهانی که تنها می توانست آنهایی را متقاعد سازد که به قتل بن لادن در پاکستان به سال ۲۰۱۱ توسط نیروهای ویژه نیروی دریائی ایالات متحده باور کرده اند، یعنی تعداد اندکی از مردم.

دیگران بی ارزش هستند

رئیس جمهور اوپاما سخنرانی اش را با موضوع توازن در جهان کنونی ادامه داد :
« خاورمیانه تحولاتی را می گذراند که با توجه به منازعاتی که ریشه چندین هزار ساله دارد، یک نسل به طول خواهد انجامید. مشکلات اقتصادی در اقتصاد چین که در حال تحول است و روسیه در حالی که اقتصاد کشورش به حالت رکود جدی درآمده، برای پشتیبانی از اوکراین و سوریه از منابعش استفاده می کند. یعنی دولت هائی که در حال گریز از مدار روسیه بودند. نظم بین المللی که ما پس از جنگ دوم جهانی ایجاد کردیم در حال حاضر به سختی می تواند با ریتم و آهنگ واقعیت نوین ادامه یابد.» (۵)

هیچ کس نمی تواند بگوید این «منازعاتی که ریشه چندین هزار ساله دارد» و خاور میانه را بی ثبات ساخته کدام است. در واقع، از دوران جیمی کارتر، و اشنگتن تمام امکانات خود را به کار می بندد تا کشورهای در حال توسعه را تخریب کند و در عین حال روی آنهایی تکیه می کند که از ناآگاهی خود بهره مند هستند مثل عربستان سعودی. و نحوه طرح مسأله هرج و مرج کنونی را توجیه کرده و راه حل مسأله را نیز به نسل آینده موکول می کند.

اقتصاد چین مطمئناً در حال گذار است، ولی مثل خود ایالات متحده که از رشد به رکود تمایل دارد. کاهش کنونی بورس های چینی واقعیت اقتصادی را منعکس نمی کند. ابتداء به این علت که شرکت های مهم چینی یا دولتی هستند یا از سوی بورس های غربی قیمت گذاری شده اند، و سپس به این علت که از جنگ بین یوان و ین بیرون می آید. کاهش ارزش پول جاپان توسط شینزو آبه نخست وزیر جاپان موجب شد که چین نیز ارزش پول خود را کاهش دهد.

انقباض اقتصاد روسیه از ضعف درون بودی آن منشأ نمی گیرد، بلکه نتیجه محاصره اقتصادی غرب است، محاصره ای که مسکو را مجبور کرد به سوی شرق متمایل شود، یعنی مناسباتی که از مدت ها پیش خواهان آن بود ولی توفیقی در این زمینه به دست نیاورده بود. از سوی دیگر ادعای این که اوکراین و سوریه دولت های مشتری بوده اند مسخره به نظر می رسد، دولت ویکتور یانوکویچ طرفدار روسیه نبود، گر چه مخالف روسیه نیز نبود. در مورد سوریه باید

دانست که پس از فروپاشی شوروی بخش مهمی از مناسباتش را با مسکو قطع کرده بود و در سال ۲۰۰۷ به باز سازی این مناسبات نائل نیامد. در نتیجه دروغ پردازی در این حد تنها می تواند تلاشی باشد برای کتمان شکست : هیچ اهمتی ندارد که کریمه و سوریه، روسی و یا طرفدار روسیه شده باشند، زیرا همیشه به همین شکل بوده است.

سرانجام پس از این که رئیس جمهور **اوپاما** کشورهای دیگری را در مقایسه با کشور خودش بی ارزش معرفی کرد در مورد سازمان ملل متحد اظهار نارضایتی نمود زیرا نمی تواند خودش را تطبیق دهد، ولی مشخص نکرد که سازمان ملل متحد با چه چیزی باید خودش را تطبیق دهد. مطمئناً اشاره او به سازمان ملل متحدی بود که به مدیریت **بان کی-مون** و **جفری فلتمن** نه تنها به نفع صلح کاری از پیش نبرده اند بلکه جنگی را سازماندهی کردند که از سال ۲۰۱۲ در سوریه مشاهده می کنیم. در نتیجه، تعدادی از کشورها در جست و جوی بنیانگذاری مؤسسات آلترناتیو دیگری هستند. از این پس، **بریکس** نظام بانکی آلترناتیو خود را در حاشیه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی ایجاد کرده است. یکی پس از دیگری، تمام مؤسساتی که واشنگتن بنیانگذاری کرده توسط رقبای جدید از دور خارج می شود.

برای پایان دادن به سخنرانی اش، **پارک اوپاما** خواستار اصلاح کنگره شد تا او را از تأمین مالی لابی ها معاف کند. این مضمون مردمی در کشوری است که تنها ۳٪ مردم فکر می کنند که به شکل دموکراتیک در پارلمان معرفی می شوند. ولی روشن است که رئیس جمهور برای تحقق بخشیدن به چنین آرزوی پارسا منشانه ای هیچ اقدامی نخواهد کرد. این موضوع را تنها برای جلب اعتماد مردم به رژیم خودش مطرح کرده بود. طی سخنرانی او، کمتر از نیمی از پارلمانی ها برای او دست زدند.

[Thierry Meyssan](#)

[1] [“Obama’s final State of the Union Address”](#), by Barack Obama, *Voltaire Network*, 13 January 2016.

[2] *“The United States of America, right now, has the strongest, most durable economy in the world”*.

[3] *“Well, so is all the rhetoric you hear about our enemies getting stronger and America getting weaker. Let me tell you something. The United States of America is the most powerful nation on Earth. Period. (Applause.) Period. It’s not even close. It’s not even close. (Applause.) It’s not even close. We spend more on our military than the next eight nations combined. Our troops are the finest fighting force in the history of the world. (Applause.) No nation attacks us directly, or our allies, because they know that’s the path to ruin. Surveys show our standing around the world is higher than when I was elected to this office, and when it comes to every important international issue, people of the world do not look to Beijing or Moscow to lead — they call us. (Applause.)”*

[4] *“If you doubt America’s commitment — or mine — to see that justice is done, just ask Osama bin Laden. (Applause.) [...] When you come after Americans, we go after you. (Applause.) And it may take time, but we have long memories, and our reach has no limits.*

(Applause.)”

[5] “The Middle East is going through a transformation that will play out for a generation, rooted in conflicts that date back millennia. Economic headwinds are blowing in from a Chinese economy that is in significant transition. Even as their economy severely contracts, Russia is pouring resources in to prop up Ukraine and Syria — client states that they saw slipping away from their orbit. And the international system we built after World War II is now struggling to keep pace with this new reality”.

لینک متن اصلی در شبکه ولتر :

<http://www.voltairenet.org/article189957.html>

ترجمه توسط حمید محوی

یادداشت مترجم:

با درود

خواهشمندم آخرین متن تی پری میسان را در پیوست دریافت دارید

البته من نوشته تی پری میسان را ترجمه کرده ام، ولی با نظریات او در مورد ضعف تکنولوژی ارتش امریکا موافق نیستم. در هر صورت داوری نویسنده در مورد ارتش ایالات متحده عراق آمیز به نظر می رسد. شاید پیشرفت های روسیه و یا چین که در واقع عقب ماندگی شان را در رابطه با امریکا در برخی زمینه ها جبران کرده اند موجب غافلگیر شدن امریکا شده باشد ولی غرب همچنان در زمینه فنی پیشگام است. خود روسیه نیز بخشی از غرب است، البته غرب بیژانسی در مقابل غرب رمی.

و خاصه با مقدم شمردن شجاعت و ایمان نسبت به فن آوری نظامی نیز اکیداً مخالف هستم. موضوع همواره به تقابل یا رابطه انسان و ماشین بازمی گردد و در این زمینه قابل بررسی می باشد.

با سپاس از دریافت شما

حمید محوی